

باسمه تعالی

الگوهای هارمونیک و واگرایی ها

در این تایپیک مقوله بسیار زیبای هارمونیک و تایید منطقه PRZ با واگرایی ها را بتدریج خدمت دوستان ارائه خواهم نمود باشد که مورد توجه دوستان قرار گیرد.

در ابتدا یک بحث کلی در خصوص مدل های مختلف واگرایی برای دوستانی که آشنایی کامل ندارند انجام خواهم داد و سپس به تلفیق این دو تکنیک (واگرایی ها و الگوهای هارمونیک) خواهیم پرداخت.

بخش اول :

واگرایی ها

واگرایی ها در کل به دو دسته تقسیم می شوند که عبارتند از:

1. واگرایی معمولی (REGULAR DIVERGENCE) که به RD نمایش می دهند

2. واگرایی مخفی (HIDDEN DIVERGENCE) که با HD نشان می دهند.

الف) واگرایی معمولی

این نوع واگرایی خود به دو قسمت مثبت و منفی تقسیم می شوند :

1) واگرایی مثبت (RD+)

در این نوع واگرایی که در کف ها شکل می گیرد (در هر تایم فریمی) هنگامی که کف A شکل می گیرد و اندیکاتور نیز کفی منطبق بر کف A می سازد و قیمت رشد میکند و سپس قیمت مجدد می ریزد و کف A را می شکند و کف جدید B را می سازد، حالتی رخ می دهد که اندیکاتور زمانی که کف جدید B ساخته شد کف قبلی خود را نمی شکند. برای تشخیص این نوع واگرایی ها از اندیکاتورهای متعدد استفاده می کنند مثلاً MACD، RSI، CCI...

به مثال های زیر توجه کنید :

مثال اول : شکل زیر که مربوط به نمودار تایم 30 دقیقه پوند دلار می باشد در حالیکه قیمت کف B توانسته کف A را سوراخ کند در MACD کف جدید ایجاد نشد که در اینجا گوئیم واگرایی مثبت رخ داده است.





مثال 2: شکل زیر نیز مشابه شکل اول با استفاده از *MACD* در تایم فریم 4 ساعته *USDCAD* به وقوع پیوسته است.



مثال 3: شکل زیر که تایم 4 ساعته دلار فرانک می باشد واگرایی مثبت (*RD+*) را با *CCI* می بینیم که صعود جانانه ای را بعد از آن به همراه داشت.



مثال 4: شکل زیر نمودار دلار ین در تایم فریم 15 دقیقه می باشد که با RSI واگرایی مثبت داد و صعود خوبی نمود.



الف) واگرایی های معمولی

2. واگرایی معمولی منفی (-RD)

در این نوع واگرایی که در سقف ها شکل می گیرد (در هر تایم فریمی) هنگامی که سقف A شکل می گیرد و اندیکاتور نیز سقفی منطبق بر سقف A می سازد و قیمت می ریزد و سپس قیمت مجدد صعود می کند و سقف A را می شکند و سقف جدید B را می سازد حالتی رخ می دهد که اندیکاتور زمانی که سقف جدید B ساخته شد سقف قبلی خود را نمی شکند. برای تشخیص این نوع واگرایی ها

از اندیکاتورهای متعدد استفاده می کنند مثلاً *MACD* ، *RSI* ، *CCI*.....

به مثال های زیر توجه کنید :

مثال اول :

تصویر زیر مربوط به 4 ساعته دلار به کانادا می باشد ، همانطور که ملاحظه می فرمایید قیمت سقف جدیدی ساخته ولی *MACD* نتوانسته سقف جدیدی بسازد . که منجر به ریزش آن شده است . که به این نوع واگرایی ، واگرایی معمولی منفی گویند .



مثال دوم :

تصویر زیر واگرایی منفی را با *MACD* در چارت *AUDUSD* در تایم فریم دیلی نشان می دهد که منجر به ریزش چند صد پیپسی شده است . همانطور که ملاحظه می کنید قیمت سقف جدیدی زده ولی *MACD* نتوانسته است .



مثال سوم :

در شکل زیر که نمودار پوند فرانک در تایم 30 دقیقه می باشد واگرایی منفی با *CCI* مشاهده می شود .



مثال چهارم :

در مثال زیر که مربوط به یورو پوند در تایم دیلی می باشد واگرایی منفی آشکاری با RSI مشاهده می شود.



قسمت سوم

(ب) واگرایی مخفی (HD)

این نوع واگرایی ها بر عکس حالت واگرایی معمولی می باشند . در حالت واگرایی معمولی از نظر قیمتی سقف یا کف جدید تشکیل

میشد ولی اندیکاتور آن را تایید نمی کرد ، در حالت واگرایی مخفی اندیکاتور سقف یا کف جدید میسازد اما قیمت تایید نمی کند

این نوع واگرایی به دو دسته تقسیم می شود :

1. واگرایی مخفی مثبت (HD+)

در این نوع واگرایی وقتی اندیکاتور کف قبلی را می زند ولی قیمت کف قبلی خود را نمی زند گوییم واگرایی مخفی مثبت رخ داده است.

به مثال های زیر توجه کنید :

مثال اول :

کل زیر که تایم فریم 30 دقیقه پوند فرانک می باشد ، از آنجا که اندیکاتور توانست کف جدیدی را بسازد اما قیمت نتوانست کف قبلی را بزند که بیانگر این است آنچه بازار فشار فروش زیاد بود که اندیکاتور کف قبلی را زد ولی قیمت نزد بنابراین پتانسیل صعود در این جفت ارز دیده می شود.



مثال 2 :

در شکل زیر که نمودار 4 ساعته USD CAD را ملاحظه می فرمایید ، می بینید که مک دی کف جدیدی را ساخته ولی هنوز قیمت کف قبلی را نزد . (در واگرایی مخفی باید مک دی حتماً تغییر فاز داده باشد)



قسمت چهارم

1. واگرایی مخفی منفی (HD-)

در این نوع واگرایی وقتی اندیکاتور سقف قبلی را می زند ولی قیمت سقف قبلی خود را نمی زند گوییم واگرایی مخفی منفی رخ داده است.

به مثال های زیر توجه کنید :

مثال اول : تصویر زیر نمودار دلارین در تایم فریم 1 ساعته می باشد . همانطور که ملاحظه می فرمایید مک دی سقف بلی را (پس از تغییر فاز) زده ولی قیمت موفق نشد سقف قبلی را بزند . که در این صورت گوئیم HD- بوقوع پیوسته است.



مثال دوم: تصویر زیر که تایم 4 ساعته دلار فرانک می باشد *RSI* سقف قبلی خود را زده ولی قیمت نتوانست بزند که منجر به ریزش یعنی وقوع *HD-* می شود.



مثال سوم : در تایم فریم 30 دقیقه پوند فرانک می بینیم CCI سقف جدید ساخته اما قیمت موفق به ساخت سقف جدید نشد.



مثال چهارم : تایم فریم یک دقیقه پوند به ین که مک دی سقف قبلی را پس از تغییر فاز زده ولی قیمت نتوانست که منجر به ریزش شدید شد.



در HD منظور از تغییر فاز این است که یک بار فاز مک دی تغییر کرده باشد و از منفی به مثبت یا مثبت به منفی آمده باشد. یعنی چی؟ یعنی مثلاً در HD منفی که پس از آن ریزش داریم دو اکستریم در منطقه مثبت داریم و یک قعر تقریباً بزرگ در فاز منفی داریم یعنی دو قله در ناحیه مثبت هستند و بین این دو قله تغییر فاز انجام شده و وارد منفی شده است. مانند شکل زیر:



قسمت پنجم

واگرایی ها و خطوط روند

یکی از گواه‌های بسیار قوی در هنگام شکستن خطوط روند داشتن واگرایی معمولی می‌باشد که از تایم یک دقیقه تا ماهیانه بسیار کارا و موثر است و هر چه تایم فریم بالاتر باشد قابلیت اطمینان بیشتری دارد و شخصاً تایم 30 دقیقه تا 4 ساعته را می‌پسندم در هنگام شکستن خط روند باید نگاهمان به اندیکاتور ها و احتمال وقوع واگرایی باشد. و اگر واگرایی مشاهده کردیم باید چشمان را برای شکار آن پوزیشن تیز تر کنیم.

لازم به ذکر است پس از داشتن واگرایی و شکستن خط روند، اگر یک کندل زیر خط روند تثبیت شد وارد پوزیشن می‌شویم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

مثال 1: تصویر زیر مربوط به دلارین در تایم فریم 4 ساعته میباشد که شکست خط روند به همراه واگرایی منجر به ریزش حدود 600 پیپسی شد.



مثال 2: تصویر زیر که پس از واگرایی و شکست خط روند منجر به ریزش 270 پیپسی شد در تایم فریم 1 ساعته AUDUSD می باشد



مثال 3: چارت زیر که مربوط به پوند دلار در تایم 1 ساعته است پس از واگرایی و شکست خط روند ریزش 640 پیپسی را تجربه نمود.



مثال 4: چارت زیر تایم فریم 4 ساعته دلار این است که پس از شکست روند (هنوز تثبیت نشده) واگرایی را در مک دی مشاهده می کنیم.



قسمت ششم

واگرایی مخفی و خطوط روند

یکی از گواه‌هایی که روی خطوط روند (درجهت روند) می‌توان وارد پوزیشن شد همین HD ها هستند. به مثال‌های زیر توجه کنید

مثال اول: تایم 15 دقیقه یورو دلار است که پس از رسیدن به خط روند شاهد وقوع $HD+$ بودیم که منجر به صعود شد.





مثال دوم : در تایم فریم یک ساعته *USDCAD* با رسیدن به خط روند با یک واگرایی مخفی مثبت روند صعودی به خود گرفت.



در ادامه توضیح خواهیم داد که برخی موارد واگرایی ها تنها جلوی حرکت فعلی را خواهند گرفت و به معنای برگشت روند نیستند و برای مدتی بازار را سوئینگ می کنند.
در حالت ایده آل واگرایی ها را در تایم های پایین در جهت روند تایم فریم بالاتر پیدا می کنیم.
کسی بتونه درست استفاده کنه از RD و HD فکر می کنم بالای 90٪ پوزیشن ها سود ده خواهد بود

قسمت هفتم

چند نکته مهم در خصوص واگرایی ها :

1. در هنگام واگرایی معمولی با مک دی دو سقف یا کف باید پشت سر هم باشد و اگر این بین یک سقف یا کف بی ربط وجود داشته باشد اعتبار واگرایی کاسته می شود.
2. زمانی می توانیم بگوئیم واگرایی داده که سر میله های هیستوگرام مک دی تغییر جهت داده باشد یا سر اندیکاتورهای CCI و RSI کج شده باشد در غیر اینصورت آسمش واگرایی نیست ، چه بسا آرایش واگرایی را بر هم بزند.
3. هنگامی که فرم واگرایی مشاهده کردیم پس از اینکه یک کندل هیستوگرام تغییر جهت داد یا سر اندیکاتور کج شد و کندل بسته شد در کندل بعدی در صورت مساعد بودن شرایط وارد می شویم.
4. هنگام مشاهده HD سعی کنیم نزدیک یک خط روند یا سطح حمایت یا مقاومت قوی باشیم
5. هنگام شکستن خطوط روند به RD توجه کنیم چون در غیر اینصورت احتمال برگشت به بالای خط روند و فیل شدن شکست روند محتمل است.
6. HD را در سطوح فیوناتچی بیشتر مورد توجه قرار دهیم.
7. وقتی روندی شکسته می شود هنگام پول بک با خط روند معمولاً یک اچ دی شاهد خواهیم بود.
8. قیمت پس از شکستن خط روند تا جایی بالا می رود و سپس می ریزد برای پول بک ، این بالا رفتن پس از شکستن روند معمولاً تا جایی ادامه می یابد که یک اچ دی رخ داده باشد.
9. در هنگام موج شماری ها که بصورت ABC می باشد معمولاً پس از ساخته شدن B یک اچ دی شکل می گیرد.
10. معمولاً در موج 5 واگرایی آشکار داریم.
11. معمولاً در منطقه PRZ یک واگرایی مشاهده می شود (در همان تایم فریم یا تام های بالاتر)
12. در هنگام مشاهده HD یا RD سعی شود با یک کندل برگشتی وارد پوزیشن شد مانند دوجی ، هنگینگ من ،
13. در هنگام اچ دی اگر با مک دی هست باید حتماً تغییر فاز داشته باشیم یعنی یک بار مک دی مثبت و بعد منفی شده باشد.
14. در هنگام اچ دی حتماً باید سر مک دی کج شده باشد (مشابه توضیح RD ..)

قسمت هشتم

واگرایی ها و چنگال اندروز

مدهاست از ابزار بسیار جذاب چنگال اندروز در سیستم های ترید به نحو احسن استفاده می کنند . در این قسمت بر آن شدم یک بندی را به سیستم ترید آقای میکولا بیفزایم که صحت و میزان درستی ترید ها را افزایش دهد و تعداد پوزیشن هایی که به استاپ میخورد را کاهش دهد . در این بین در چارت ها علائمی ظاهر می شود که تلفیق آن علائم با چنگال نتایج بسیار جالبی به همراه دارد . آن علائم واگرایی می باشد .

اما ابتدا دو قاعده اصلی ترید با چنگال را به اختصار عرض می کنم و سپس به تلفیق این دو می پردازیم .

دو قاعده اصلی :

1. هنگامی که با سه پیوت *ABC* یک چنگال صعودی رسم می کنیم زمانی که قیمت نتواند به مدین لاین چنگال برسد و باند پایینی چنگال را بشکند پس از شکستن خط روند وارد پوزیشن سل می شویم .

2. هنگامی که با سه پیوت *ABC* یک چنگال نزولی رسم می کنیم زمانی که قیمت نتواند به مدین لاین چنگال برسد و باند بالایی چنگال را بشکند پس از شکستن خط روند وارد پوزیشن بای می شویم .

این دو قاعده اساس ترید بر اساس چنگال ها می باشد ، البته چند تکنیکی جدید هم بدان اضافه شده ولی اصل این دو نمونه می باشد که اکثراً از آن بهره می برند . اکنون ما به این دو بند یک بند واگایی نیز اضافه می کنیم تا میزان درستی پوزیشن ها را افزایش دهیم .

به مثال های زیر توجه کنید :

مثال شماره 1) در این تصویر نمودار *USD/CAD* را مشاهده می کنید که بترتیب موارد تاییدی را صادر نمود

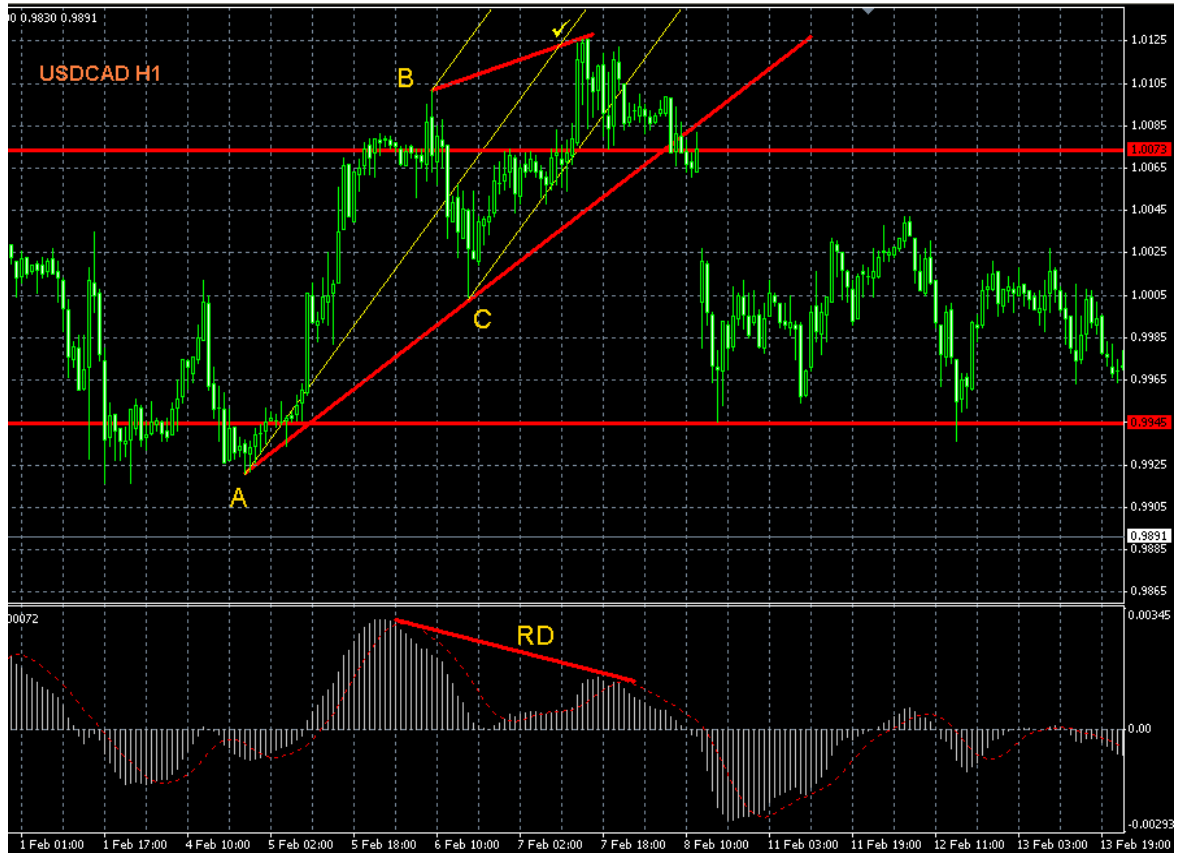
الف) به مدین لاین چنگال اندروز نرسید (اولین اخطار برگشت)

ب) ایجاد یک واگرایی منفی منفی (دومین اخطار برگشت)

ج) شکستن باند پایینی چنگال

د) شکستن خط روند (آخرین تایید)

که در این مرحله می توان سل را انجام داد . در این تصویر بخوبی مشاهد می شود که گپ بسیار بزرگی هم شکل گرفته که نشان دهنده تحلیل بسیار عالی است . این پوزیشن بدون ذره ای برگشت 130 پیپ خالص داد .



مثال شماره 2:

تصویر زیر نیز مانند شکل قبلی مربوط به یک ساعته *USDCAD* می باشد که مانند توضیحات مثال قبل همه موارد یک سل خوب را دارا بوده است. که این پوزیشن نزدیک 400 پیپ ریزش خوب داشته است. تنها نکته ای که در این چارت وجود دارد پس از شکستن خط روند بازار مقداری سوئینگ شد ولی پس از صرف مقداری زمان مجدد به ریزش خود ادامه داد. (توصیه می شود بحث زمانی را بدقت مورد مطالعه قرار دهید تا بتوانید سود فراوانی ببرید)



مثال شماره 3 :

تصویر دلارین در تایم 1 ساعته می باشد که مشابه تصویر شماره 1 با توضیحات همان مثال می باشد فقط در اینجا بجای RD ما HD داریم . این جفت ارز پس از سیگنال سل در همان گام اول 130 پپ سود داد و کماکان در حال ریزش است.



مثال شماره 4 :

تصویر زیر پوند فرانک در تایم فریم 4 ساعته است که تمامی موارد مثال 1 رعایت شده و بجای واگرایی معمولی HD دارد. این پوزیشن در همان گام اول 1700 پیپس داده است.



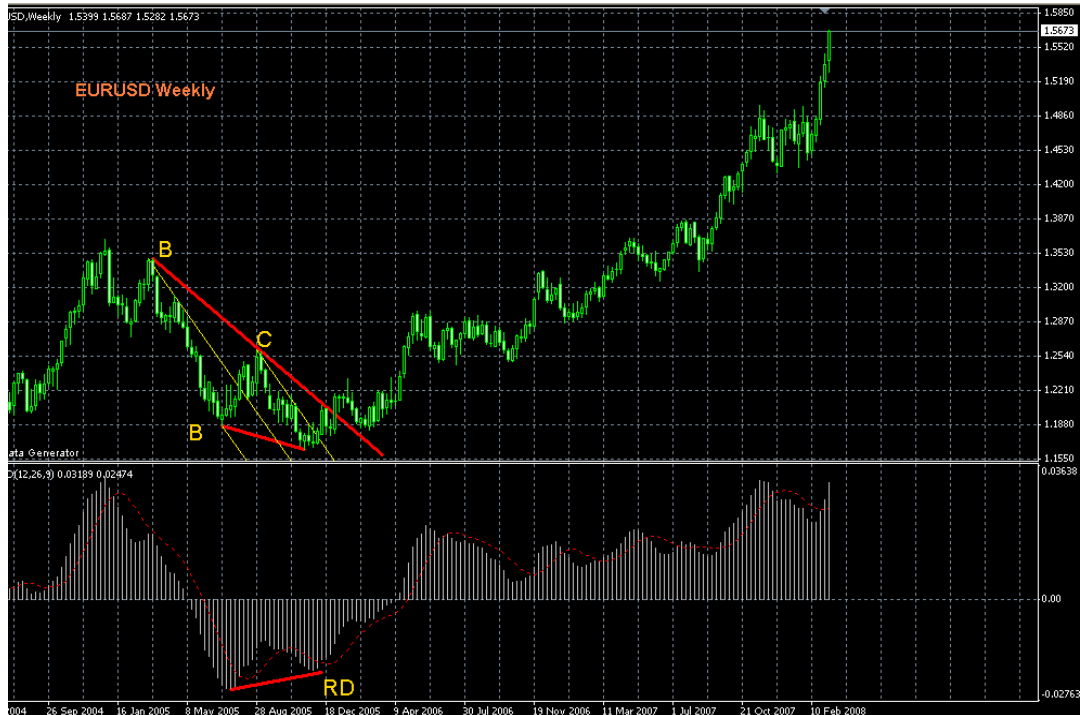
مثال شماره 5 :

تصویر زیر پوند ین در تایم دیلی می باشد که زیبایی در همان گام اول 700 پیپس داده است.



مثال شماره 6:

تصویر زیر تایم هفتگی یورو دلار است که با شکستن روند در حال حاضر در حدود 4000 پیپس روی سود است.



هنگامی که در تایم فریم ۱ واگرایی میبینیم باید در تایم فریم های پایین تر منتظر شکست روند بمانیم بعد وارد پوزیشن شویم.

تایم فریم واگرایی ----- شکست روند در تایم فریم

تایم فریم 4 ساعته ----- شکست روند در تایم 30 دقیقه

تایم فریم 1 ساعته ----- شکست روند در تایم 15 دقیقه

تایم فریم 30 دقیقه ----- شکست روند در تایم 5 دقیقه

تایم فریم 15 دقیقه ----- شکست روند در تایم 1 دقیقه

نکته مهم: تا حد ممکن از گرفتن پوزیشن در خلاف روند اصلی بازار صرف نظر کنید، اما وقتی در جهت روند اصلی در ریز موج ها واگرایی در جهت روند اصلی میدهد سرعت و دقت واگرایی صد چندان است.

یک نکته دیگه:

بهترین مکان برای ورود به پوزیشن در اچ دی ها مکانی است که دارای دو خصوصیت باشد:

1. (روی یکی از سطوح فیبو 61.8% و 78.6% باشد (از دو پیوتی که برای اچ دی در نظر گرفتیم)

2. (در روی یک خط روند باشیم که نقش حمایتی یا مقاومتی داشته باشد.



نکته مهم :

زمانی که در هر تایم فریمی حدس می زنید احتمال وقوع *HD* زیاد است با رخ دادن یک کندل برگشتی خوب مثل دوجی یا همر یا ... می توانید به عمل کردن واگرایی مخفی خوشبین تر شوید . همانطور که در شکل زیر می بینید با وقوع آن کندل که با تیک نشان داده شده پتانسیل ریزش تقریباً منفی شد ! اگر چه در زمان تشکیل آن کندل هنوز واگرایی مخفی نداشتیم ولی با زدن آن کندل قیمت نیاز به یک استراحت 7-8 کندلی برای تشکیل و تکمیل اچ دی داشت .



کلاً در بازار فارکس *HD* چون در جهت روند اصلی است تاثیر گذاری و قدرت عمل بیشتری دارد

بنظرم *HD* اگر درست تشخیص داده بشه از 10 پوزیشن شاید 1 پوزیشن استاپ بخوره !!

اما اگر بخوایم دانش موج شماری و الیوت رو مدد بگیریم کمک شایانی به ما می کند . شما یک سیکل حرکتی زیر رو در نظر بگیرید این واگرایی ها احتمالاً اتفاق می افتد .

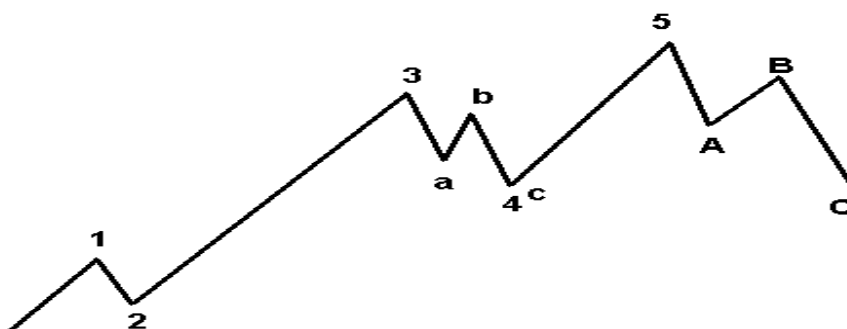
1) واگرایی مخفی در انتهای موج 2

2) واگرایی منفی در انتهای موج 3 از درجه پایین تر

3) واگرایی مثبت در انتهای 4 بین *A* و *C* البته یا از همین درجه یا از درجه پایین تر

4) واگرایی منفی شدید بین 3 و 5 که ریزش خوب به همراه می آورد

5) اچ دی در انتهای B



توضیح مجدد HD :

در تصویر زیر نگاه کن ، وقتی قیمت از A شروع به حرکت کرد و بالا رفت ، همزمان مک دی هم روند صعودی در پیش گرفت و بالا رفت موقع ریختن وقتی قیمت به B رسید ، مک دی هم به B پریم) رسید اما قبل از اینکه قیمت کف قبلی رو بزنه مک دی کف رو زد که نشون میده بازار با اینکه فشار عرضه زیادی روش بود(مک دی کف قبلی رو زد) نتونست کف قیمتی خودش رو بزنه . پس این یک گواه برای صعود تلقی میشه . که این را HD مثبت می گویند . دقیقاً همین حالت در نقاط B و C اتفاق افتاد که نجر به یک صعود در یورو دلار شد .

نکته مهم اینجاست وقتی موقع اچ دی مثبت مک دی صعودی می شود باید حواسمان باشد که اگر مجدد مک دی نزولی شد خارج شویم

خب این شد واگرایی مخفی مثبت ، که ایندیکاتور کف قبلی رو میزنه ولی قیمت نمیزنه که نشان از قدرت صعودی سهم یا جفت ارز داره.....



در مورد عکس زیر

در مورد RD ها سه روایت وجود دارد .

روایت اول : می گوید در RD نباید بین دو قله یا قعر که واگرایی را تشخیص می دهیم مک دی تغییر فاز کند . الان در شکل زیر تغییر فاز داریم .

روایت دوم : می گوید هنگام RD می شود تغییر فاز در مک دی هم داشت ، و از روی همین مثلاً بین موج 3 و 5 واگرایی را تشخیص می دهند . که این نوع واگرایی گفته می شود فقط برای همان موج 3 و 5 خوب هست و جای دیگر ممکن است اشتباهات زیادی داشته باشد و خطرات زیادی دارد .

روایت سوم : می گوید اگر مک دی در RD تغییر فاز داد سراغ اندیکاتور RSI بروید اگر واگرایی را تایید کرد ، مک دی مورد قبول است اگر تایید نکرد واگرایی مورد قبول نیست .

نتیجه : اگر دو قله پی در پی باشد واگرایی یقیناً درست است اما اگر با تغییر فاز باشد اما و اگر دارد .





چند نکته:

تا زمانی که دو پیوت (دو قله/دودره) دو نقطه برگشت خوب نداشته باشیم واگرایی نامفهوم هست ، پس دقت کنید باید حتماً یک چرخش خوب را شاهد باشیم .

در واگرایی سعی کنید بصورت دو قله مشخص یا دو قعر مشخص داشته باشید و نه قله های ترکیبی . یعنی در نمودار مک دی یک قله یا قعر باید بسازد و سریع تغییر جهت دهد ، وقتی می بینید مک دی سوئینگ شده یعنی فعلاً بازار بدون تصمیم است و این اصلاً برای ما خوب نیست .

من ارزهای غیر اصلی زیاد کار نمی کنم ، ارزهایی که معمولاً باهاشون کار می کنند
ارزهای اصلی :

USDCHF// AUDUSD// USDJPY// NZDUSD// USDCAD// GBPUSD// EURUSD

ارزهای غیر اصلی :

EUR JPY //GBPJPY

غیر ارز :

GOLD//OIL



بقیه جفت ارزها و رو هم اصلاً نگاه نمی کنم چون حس می کنم بیشتر تحت تاثیر جفت ارز پایه هستند (ارزی که کی طرفش دلار هست)

((من تضمین میدم تلفیق الیوت و واگرایی ها سود 100٪ را برای هر کس تضمین می کنه)).

با کج شدن سر مک دی و تشکیل یک میله خلاف جهت واگرایی تثبیت می شود
راستش زمان ورود بستگی به خود تریدر داره ، من روش های مختلفی رو برای ورود انتخاب می کنم ، الان که از الیوت استفاده می کنم اصلاً نمی مونم تا روندی شکسته بشه و سر اهداف امواج وارد پوزیشن میشم .
 میشه با شکستن روند در تایم فریم پایین تر وارد شد ، میشه کندل برگشتی زد وارد شد همه و همه زمانی است که واگرایی تثبیت شده باشد

من همواره از ترکیب دوتایی اونها برای تشخیص واگرایی ها استفاده می کنم . یعنی هم مک دی دارم و هم *RSI* و اونایی که جفتشون آردی یا اچ دی میدن رو می گیرم . اینجوری مطمئن تر هم هست . مگر اینکه ریسک استاپ خیلی کم باشه به مک دی اکتفا کنم .

اگر شما دلایل متعددی برای برگشت از یک نقطه دارید دیگری نیازی نیست خط روند بشکنند یا

مک دی باید دو قله یا قعر مشخص بسازد .

خدایی روشی ساده تر و مطمئن تر از این روش تا حالا دیدید؟؟ نه خدایی دیدید؟؟ آگه شما عین من این روش رو با الیوت تلفیق کنید قول میدم در طول یک سال 10000٪ سود کنید ، فقط خوب تمرین کنید و سعی کنید به اشتباهاتتون دقت کنید که کجا ها تحلیل تون مشکل داره . واگرایی ها یک قلق داره بگیری بدش افتادید روی غلتک

نکته مهم : برای اینکه عیار ضعف و قوت ارزها دستتان باشد حتماً شاخص های بورس کشورها را نیز آنالیز انجام دهید . مثلاً برای اینکه بدانید حرکت های اصلی این چه زمانی است حتماً حواستان به شاخص نیکی باشه و

در هر حال (الیوت + واگرایی) باعث بقا و سودهای نجومی در فارکس هست . پس سعی کنید هر دو مبحث را خوب فرا بگیرید!

استاپ بر اساس سطوح حمایت و مقاومت ، یعنی زمانی اچ دی فیل می شود که همون پیوتی که باهاش اچ دی داده رو بزنه و ار دی هم همینطور . در مورد حد سود هم باید عرض کنم تا زمانی که مک دی روند حرکتی اش اوکی باشه توی پوزیشن می مونیم با برگشت مک دی از پوزیشن خارج میشیم .
 البته من شخصاً بر اساس هدف امواج الیوت تیک پرافیت میزارم .

موقع اچ دی حتماً باید حداقل 50٪ ریتریس داشته باشیم
 بهترین جا برای ورود معمولاً 61.8٪ و 78.6٪ می باشد ، اگر بیشتر از 78.6٪ ریخت سعی کنید بهش دیگه بعنوان یک اچ دی توجه
 نکنید . و کمتر از 50٪ هم ریخت توجه نکنید!!
 در موقع پوزیشن های HD مثبت دار همیشه به دو نکته دقت کن ، اول اینکه فاز خیلی بزرگ نباشه یعنی فاصله دو سطحی که HD می
 گیری و دوم اینکه اون بخشی که رفته مثبت یک تکه باشه و دو کوه مجزا نباشه ، در شکل شما دو کوه کاملاً مجزاست



قسمت نهم

الگوهای هارمونیک و واگرایی ها (بخش اول)

همانطور که میدونید تشکیل الگوهای هارمونیک بخصوص در تایم فریم 4 ساعته بسیار میتونه سود ساز باشه ، متداول ترین اونجا
 الگویی تحت عنوان الگوی $AB=CD$ هست که بسیار بسیار روتین و روان و دارای شکل ظاهری ساده هست . که شکل ظاهری آن
 زیگزاگ می باشد .

حالا دوستان بیان روی این قضیه کار کنند (بسیار بسیار سود ساز هست) که مثلاً وقتی در تایم فریم 1 ساعته یا 4 ساعته یک الگوی
 $AB=CD$ یا مشتقات (توضیح در زیر داده می شود) ان را دیدند سریع به تایم های پایین رفته دنبال واگرایی بگردند .

حالا الگوهای $AB=CD$ چی هست ؟؟ مشتقاتش چیا هستند ؟؟

الگوی $AB=CD$ رو که همه میدونید بصورت یک فرم زیگزاگ هست و تارگت ما 100 APP % هست .

اما مشتقات آن چی هست ؟؟؟

فرض کنید ما در یک حرکت صعودی که قرار است بصورت $AB=CD$ شود قرار داریم ، زمانی که به تارگت D میرسیم اما در تایم

های پایین تر واگرایی مشاهده نمی شود ، باید شک کنیم که این ممکن است هدف ما نباشد پس به سراغ مشتقات می رویم .
یعنی بررسی می کنیم که BC چه میزان از AB را اصلاح نموده به همان میزان دنبال هدف اصلی یا هدف مشتق شده هارمونیک می گردیم .

اگر BC از روی 38.2% از AB برگردد پس از شکستن $100\% APP$ اگر واگرایی نداشتیم باید منتظر دیدن $261.8\% APP$ باشیم .
اگر BC از روی 50% از AB برگردد پس از شکستن $100\% APP$ اگر واگرایی نداشتیم باید منتظر دیدن $200\% APP$ باشیم .
برخی منابع 161.8% هم عنوان کرده اند اما 200 متداول تر است)
اگر BC از روی 61.8% از AB برگردد پس از شکستن $100\% APP$ اگر واگرایی نداشتیم باید منتظر دیدن $161.8\% APP$ باشیم .
اگر BC از روی 78.6% از AB برگردد پس از شکستن $100\% APP$ اگر واگرایی نداشتیم باید منتظر دیدن $127\% APP$ باشیم .
با این روش ما عملاً دو سیستم را با هم تلفیق کردیم و ریسک را بشدت کم کردیم ، سیستم اول که همان واگرایی است اولین
اخطار برگشت هست و سیستم دوم که الگوهای هارمونیک دومین اخطار برگشت هست . پس دیگر لازم نیست ما منتظر بمانیم
روند شکسته شود که با شکستن آن ممکن است حتی تا 100 پیپس سود را از دست بدهیم . و چون از سطح بسیار مهمی (هدف
هارمونیک) قرار است برگشت داشته باشیم پس اهنک برگشت از در همان گام اول بسیار سریع است یعنی در همان اول پوزیشن
ممکن است سریع تا 50 پیپس سود برویم که می توان با خیال راحت استاپ را به صفر تریلینگ کرد

به مثال زیر که پیوست شده توجه کنید ، در تصویر زیر که مربوط به دلار فرانک می باشد ، بنده دو تصویر قرار دادم ، وقتی در تایم
فریم 4 ساعته دیدم که کندل 4 ساعته با قدرت هدف $100\% APP$ را از هم درید ، منتظر ماندم که به هدف مشتق خود برسد ،
معمولاً در خود 100 درصد APP بصورت اتومات عده ای وارد پوزیشن می شوند که چون ما قرار است از واگرایی تاییدیه بگیریم ،
اگر واگرایی تایید نکرد ما هم بی خیال میشیم و بیدن صورت ان پوزیشن های هارمونیک ما که استاپ میخورد با ابزار قدرتمند
واگرایی استاپ نمی خوره چون وارد پوزیشن نمیشیم .

پس در جائیکه سطح 100 درصد APP شکسته شود ، منتظر می مانم که به سطح 127% برسد تا وارد پوزیشن شوم . وقتی به 127%
رسید من برای دیدن واگرایی به تایم های پایین می روم . می بینم که در تایم فریم 15 دقیقه یک واگرایی آشکار وجود دارد ، پس
وقتی مک دی یک کندل کج می شود و تثبیت می شود وارد پوزیشن می شوم .
همانطور می بینید این نوع پوزیشن گرفتن حاشیه سود بسیار بلایی دارد و سریعاً وارد سود می کند



خلاصه بخش نهم :

این درس تلفیق واگرایی با الگوی $AB=CD$ و مشتقات آن است. ما باید روی مناطق PRZ با تایید واگرایی وارد پوزیشن شویم. هدف اول همواره $APP 100\%$ می باشد، وقتی D به 100% رسید در تایم های پایین واگرایی را چک می کنیم اگر واگرایی داشتیم با تثبیت واگرایی وارد پوزیشن می شویم، اما اگر واگرایی نداشتیم و سطح 100% دریده شد سراغ مشتقات می رویم. یعنی میزان BC را چک می کنیم که به چه میزان از AB اصلاح کرده سپس منتظر می مانیم تا به تارگت هاییکه در بالا گفته شد برسد، انجا به سراغ واگرایی ها در تایم پایین می رویم، با تثبیت واگرایی (یک هیستوگرام کندل برگشتی در مک دی ظاهر شود) وارد پوزیشن می شویم

چون در این مبحث حرکت و برگشت های از سطوح حساس PRZ خیلی سریع است احتیاج به سرعت عمل بالا در تشخیص واگرایی دارد

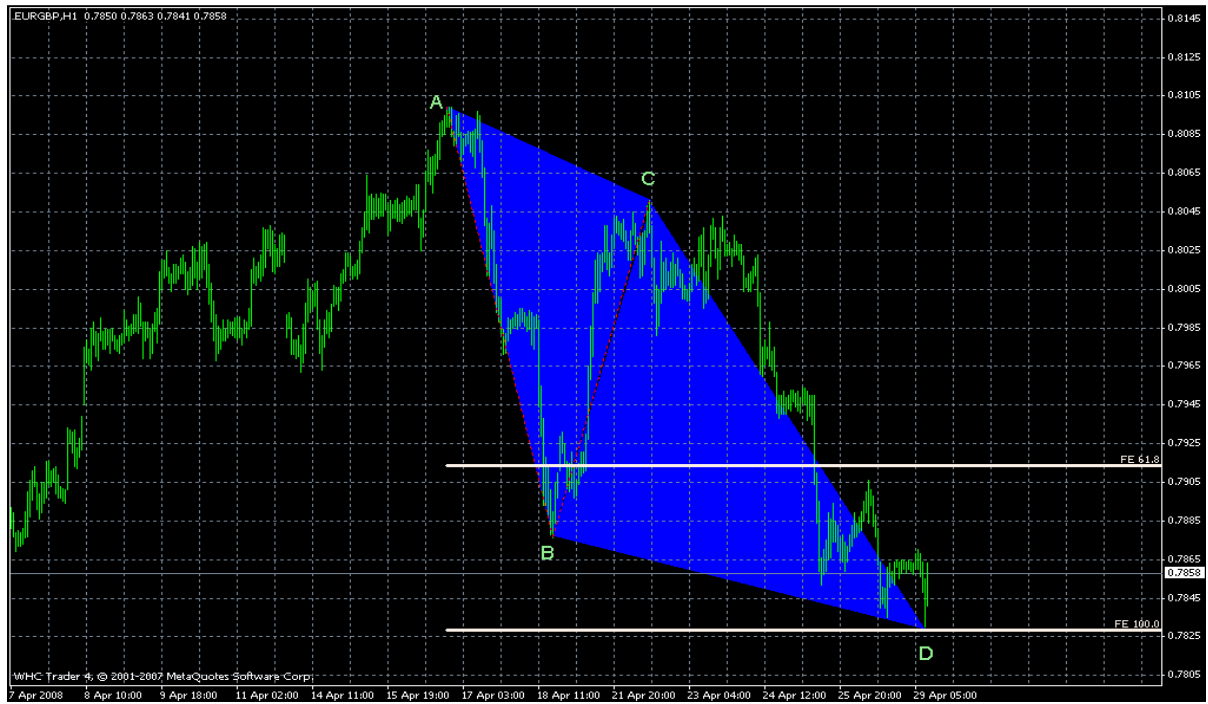
APP (مخفف $ALTERNATE PRICE PROJECTION$) هست که همان فیبو اکستنشن می باشد که برای رسم شما به سه نقطه نیاز دارید کلیک اول روی A کلیک دوم روی B کلیک سوم روی C که تارگت D را این ابزار پیش بینی می کند. در مورد PRZ (مخفف $POTENTIAL REVERSAL ZONE$) هست که منطقه ای است که D در آن واقع است و شامل یک سری پروجکشن های قیمتی است.

نمونه معامله:

در عکس زیر دقیقاً خورد به $APP 100\%$ من با کج شدن سر مک دی در تایم فریم 15 دقیقه وارد پوزیشن خرید شدم، استاپ رو 10 پیپ زیر $APP 100\%$ گذاشتم حد سود هم 100 پیپس (بعداً دقیقش رو رد میارم) پس من چیکار کردم؟؟

اول موندم به هدف $AB=CD$ برسه بعد رفتم دنبال تشخیص واگرایی در تایم فریم پایین تر. من تا به تارگت D رسید توی یکی دو ساعت حدود 50 پیپ رشد کرد (برای یورو بودن خیلی خوبه)

حالا به فرض اگه این حدود 30-40 پیپ بره بالا تر من استاپ رو صفر می کنم و منتظر می مونم توی تایم فریم 15 یا 30 واگرایی منفی بده (یا اچ دی منفی بده) اونوقت پوزیشن رو می بندم، اگر فشار فروش اونقدر زیاد بود که بیاد استاپ منو همین الان بزنه من تنها 30 پیپس ضرر کردم و مطمئن وقتی به تارگت مشتقات $AB=CD$ رسید نه تنها این 30 پیپ رو با تایید واگرایی جبران می کنه بلکه 4-5 تا این 30 پیپی رو بهم میده.





دوستان سعی کنند تا حد ممکن از پراکندگی جفت ارزها خودداری کنند. اینو برای کل سیستم های ترید میگم، بهترین جفت ارزها، همین جفت ارزهای اصلی هستند. من یک بار هم جفت ارز غیر اصلی و اون مواردی که اعلام کرده بودم ترید نکردم. باور کنید هر چی تعداد جفت ارزها محدود تر باشه، کار باهاشون راحت تر هست، قرار نیست ما بین 100 تا جفت ارز بگردیم و یک واگرایی پیدا کنیم و سریع وارد پوزیشن بشیم!!

من هنوز که هنوزم معتقدم توی جفت ارزها باید جفت ارزی را کار کرد که یک طرفش ارز اصلی و پایه یعنی دلار باشه. بغیر از یورو پوند که بدلائل متعدد اونم قبول دارم. بنابراین اگر مواردی اتفاق می افتد که من اظهار نظر نمی کنم دلیلش این هست که جزو ارزهایی نیست که بنده دارم

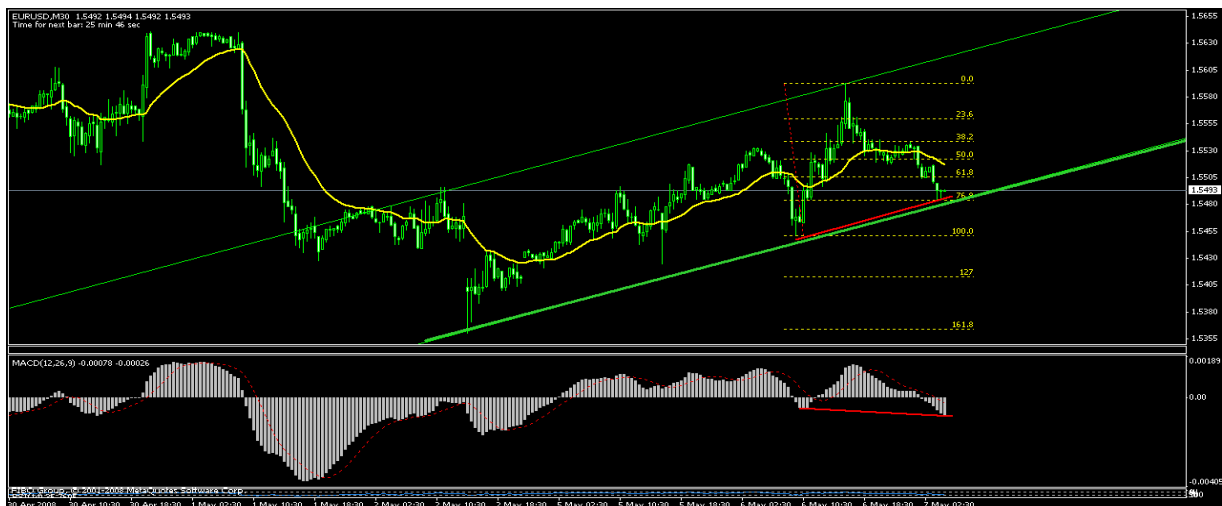
کم کم باید رفتار تریدی مون طوری بشه که هر چی که شبیه واگرایی هست رو واگرایی نگیریم. این بخش 9 ام که ارائه شد یکی از کاربردهای عالی در زمینه واگرایی بود و می گفت که سعی کنید روی سطوح تعریف شده دنبال واگرایی بگردید.

نکته خیلی مهم :

ورود بر اساس کج شدن سر مک دی زمانی باید انجام شود که روی منطقه PRZ باشیم چون ریسک ترید بسیار پایین است. در غیر اینصورت واگرایی و کج شدن سر مک دی دلیل ریورز شدن روند نیست! عرض کردم که وقتی در منطقه PRZ نیستیم و یک جای بی ربطی قرار داریم برای ورود وقتی واگرایی مشاهده نمودیم، یا از امواج الیوت، یا از شکستن خط روند یا استفاده می کنیم و صرف کج شدن سر مک دی دلیل ورود نیست.

من بشخصه خیلی به پوزیشن هایی در موقعیت HD هستند و بیشتر از 78.6٪ رو اصلاح کردند خوشبین نیستیم و بهتر بخوام بگم نمی گیرم مگر اینکه یک گواه دیگر داشته باشم.

در ضمن یادتان باشد وقتی قبل از این حرکت (عکس زیر) یک روند نزولی 600 پیپی تجربه شده به این نوع HD ها کمی با اغماض نگاه کنید، یعنی همیشه یک فرقی در ابتدا بین بازارهای بولیش و بیریش خود در نظر بگیرید



یک جمله می خوام بگم و همه رو پولدار کنم

ببینید بچه ها، ما اول باید دنبال منطقه حساس و منطقه پر ترافیک باشیم و بعد بریم دنبال واگرایی ها، یعنی چی؟؟ یعنی اینکه همه ایندیکاتورها رو حذف کنیم، هر چی روی چارت هست پاک کنیم، ما باشیم و چارت حالا چیکار کنیم؟؟ حالا میایم با استفاده از پروجکشن ها، روند حرکتی رو پیش بینی می کنیم! در دو شکل زیر نگاه کنید یکی یورو ین 4 ساعتی و یکی هم نیوزلند به دلار 4 ساعتی است. من پیش بینی کردم که قیمت به آن سطوح برسد، اگر نرسید که هیچ! مگه با نرسیدن چیزی را از دست میدهیم؟؟ اگر تحلیل زمانی را خوب انجام دهیم اصلاً لازم نیست دائماً پای چارت باشیم که کی به اینجا میرسه خب پس من میام جاهای حساس و مهمی که حدس میزنم قیمت بهش واکنش نشون میده رو در میارم و سعی میکنم پروجکشن

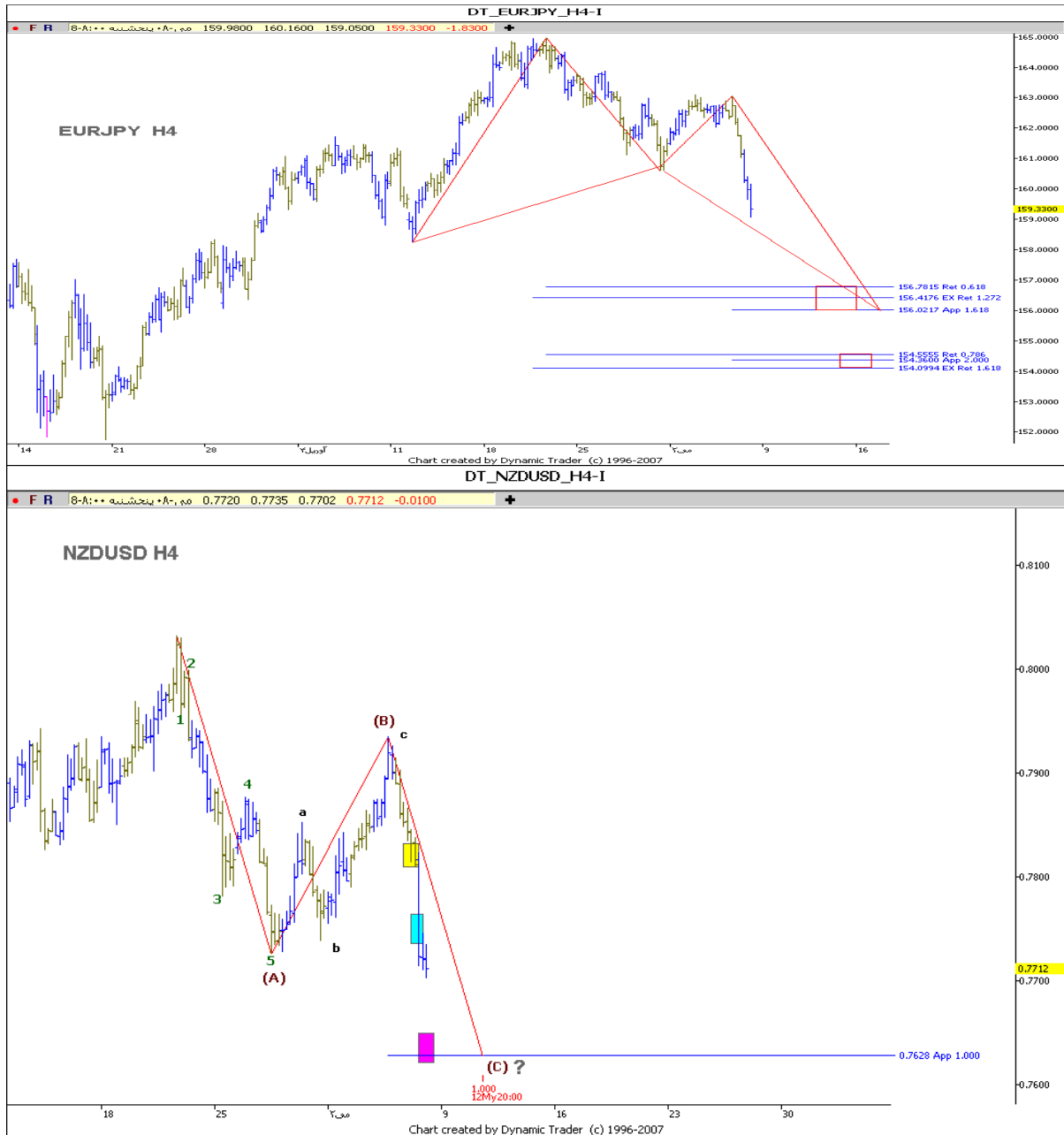
های زیادی توی اون منطقه باشه ، حالا وقتی قیمت به اون سطوح رسید من میرم سراغ ایندیکاتورها ، که چیکار کنم ؟ که واگرایی ها را در تایم مربوطه یا یک یا دو تایم پایین تر بررسی کنم (برای تایید واگرایی سعی کنید زیر 30 دقیقه دیگه نرید چون یک الگویی ک توی 4 ساعته تشکیل میشه قدرت یک واگرایی 5 دقیقه قادر نیست تکونش بده!) حالا اگر توی سطوح از پیش ، پیش بینی شده واگرایی داشتیم ، با یک کندل برگشتی وارد پوزیشن میشیم و حالش رو می بریم ، اما اگر نداشتیم مگه مجبوریم خودمون رو کال کنیم؟؟

بهتون قول میدم ، همین حدوداً 10 تا ارز خودمون رو که معرفی کردیم رو اینجوری چک کنید ، یعنی کله سحر پاشید یک پیش بینی از روند بکنید برید پی کارتون بعد بیاید ببینید کدوم رسیده و....
بهتون قول میدم هر روز حداقل یکی شون موقعیت ترید میده ، روزی 100 تا حداقل کاسبین! ریسک این وضعیت ها با توجه به واگرایی ها نسبت به بازده بسیار ناچیز هست .

فقط دو نکته یادتون باشه :

1) توی واگرایی ها با مک دی حتماً باید بمونید سر مک دی کج بشه . هر چه ایندیکاتور بیشتری واگرایی بده اعتبار واگرایی بیشتر هست یعنی اکه مک دی بده و *RSI* هم بده دیگه نور علی نور هست . سعی کنید اولویت اول *MACD* باشه .

2) همیشه سعی کنید منتظر یک سطح بحرانی باشید برای ترید و سعی نکنید زورکی واگرایی بسازید ، نکته مهمی که وجود داره این هست که واگرایی ها در سطوح غیر مهم سوخت میشن !! یعنی حرکت برگشتی شون همین 10-15 پیپ بیشتر نیست! و اینقدر سوئینگ میشن تا اثر واگرایی بره!



چند سوال

1- فرموده بودید "HD را در سطوح فیبوناچی بیشتر اهمیت دهید" چرا RD اینطور نیست؟

چون در HDها اولاً در جهت روند اصلی هستیم و ثانیاً ریتریس صورت می گیرد و معمولاً کار با فیبو ریتریسمنت راحت تر است، در خصوص RD ها قاعده مشخصی برای وقوع واگرایی در سطح مشخص نیست، صرفاً در قیمت سقف یا کف جدید تر شکل می گیرد

اما در ایندیکاتور شکل نمی گیرد.

2- فرموده بودید " وقتی روندی شکسته می شود هنگام پول بک باخط روند معمولاً شاهد HD خواهیم بود " چرا؟

در همان تایم فریم عرض نکردم ، در تایم فریم های بسیار پایین مثلاً 5 دقیقه این اتفاق می افتد (معمولاً و نه همیشه)

3- فرموده بودید " هنگامیکه در تایم Δ واگرایی می بینیم در تایمهای پایینتر منتظر شکست روند می مانیم " چرا؟ آیا منظور خط روند است؟

بله منظور شکست خط روند هست ، در تایم های پایین تر چون اگر قرار باشد در تایم بال روند بشکند بخش اعظم سود از دست می رود.

4- برای چه هنگام واگرایی برای دیدن خط روند باید به تایم فریم پایین تر برویم؟ اگر قرار باشد روندی شکسته شود در تایم بالا هم دیده می شود.

در تایم بالا روند بزرگ تر و دیرتر می شکند اما در تایم های پایین تر روندهای کوچک داریم که باید بشکند.

من همیشه دو تحلیل همزمان انجام می دهم ، یکی تحلیل قیمتی و یکی تحلیل زمانی و یکی بدون دیگری برای من ارزش ندارد

واگرایی ها همواره تاثیر خود را می گذارند ، اما اینکه یک واگرایی چقدر تاثیر بگذارد مهم هست ، بخاطر همین مبحث ترافیک رو مطرح کردم (فکر نمی کنم هیچ کجایی چنین چیزی به شما گفته باشند) ، همواره در نقاط ترافیک هست که برگشت های گاهاً چند صد پیپی خواهیم داشت ! وگرنه عرض کردم اگر در یک منطقه بدون ترافیک واگرایی مشاهده بشه ، بازار اینقدر سوئینگ میشه تا خسته تون کنه ! بخاطر همین اوایل این تاپیک چون مبحث ترافیک مطرح نکرده بودم ، در خصوص همه واگرایی ها بحث می کردیم ، می دیدید که بعضی ها چند صد پیپی می داد و بعضی نه ! حالا که بحث باز شده دوست دارم توی تحلیل واگرایی سطوح کلیدی و پر ترافیک رو هم نشون بدید.

واگرایی هایی رو بگیرید که در یک منطقه پر ترافیک هست.

همیشه اولین کارت یافتن نقاط پر ترافیک باشه و بعد تشخیص واگرایی

((نقاط پر ترافیک))

برای ورود به واگرایی من ابزار قدرتمندی رو بهتون معرفی کردم که نیاز به هیچی دیگه نداره (قسمت نهم رو دقیق بخون) ، همواره موسسات ، بانکها ، نهادها ، تقاضاهای خرید و فروششان در یک سطح معینی انباشت شده که قیمت در هنگام رسیدن به این سطوح انگار برق سه فاز از ان گذاشته باشد ریورس شدید می کند ، من اسم این منطقه ها رو گذاشتم مناطق پر ترافیک چون ترافیک اردرها بسیار زیاد هست . حالا این سطوح چی هستند ؟ بر اساس پترن های بازار سطوحی در بازار شکل می گیرد که

ارزش و اعتبار ویژه ای دارد مثلاً در پترن های الیوت مناطق پر ترافیک تارگت امواج هستند ، در الگوهای هارمونیک مناطق پر ترافیک سطوح PRZ هستند ، در

پس همیشه همیشه همیشه ، اولین کار ما در تحلیل شناخت مناطق پر ترافیک هست ، اگر نتوانیم با دیدن کلان چارت این سطوح رو پیدا کنیم یعنی بازار را نمی شناسیم یعنی بازار را درک نکردیم و بهتر است از بازار خارج بشیم ، پس گام اول شما هستید و چارت ، بدون هیچ ایندیکاتوری ! وقتی به مناطق پر ترافیک رسیدید میرید سراغ واگرایی ها در همان تایم فریم یا تایم فریم پایین تر ! اگر اوکی بود با تریگر کردن وارد پوزیشن میشید ، یعنی چی ؟ مثلاً تایم 15 خط روند شکست ، یا کندل 1 ساعته یا 4 ساعته (کندل تایم تحلیلی) ما دانای اول زد ، یا هر کندل برگشتی یا وارد پوزیشن میشیم . حالا بعضی ها از تکنیک های فراکتالی استفاده می کنند چه بهتر ، ولی نباید تکنیک فراکتالی باعث بشه بخش اعظم سود از بین بره ، مناطق پر ترافیک منطقه ای است که با ریسک کم میشه وارد بازار شد بدون اینکه حتی 20% احتمال خوردن استاپ داشته باشی .

تفاوت امتیاز HD/RD

بطور واضح و آشکار می توان گفت چون واگرایی های مخفی در جهت روند هستند قدرت بیشتر و ریسک کمتری دارند . اچ دی ها حتی اگر منطقه خیلی پر ترافیک نباشه خوب عمل می کنند ، اما آر دی ها تقریباً نیازمند یک منطقه پر ترافیک قوی هستند .

TP

صرف واگرایی به شما هدف نمیده ، شما باید هدف ها رو از روی آرایش الگوها در بیارید ، حالا میتونه آرایش الیوتی باشه ، ولفی باشه ، یک پترن کلاسیک باشه و حتی میشه با چنگال اندروز اهداف رو بخوبی در آورد .

قدرت HD/RD

بر اساس تایم فریم و همینطور شناسایی الگوی الیوتی می توان پی به قدرتش برد . باید بین تایم فریم ها و قدرتی که به بازار میدند تبعیضی قائل شد . هر چی تایم فریم بزرگ تر باشه پایداری حرکتی بیشتر هست ، البته خیلی به تایم بالاتر از دیلی نمیرم و فکر می کنم دیلی دید بسیار خوبی از روند بلد مدتش میده!

سوال

در زمینه منطقه پرترافیک آیا دانستن پترنهای هارمونیک کفایت می کند یا الیوت باید بلد باشیم که خودتون می دونید الیوت بحث دشواریه یا همه اینها با هم...؟

سطوح پر ترافیک چیزی نیست جز استفاده صحیح از سطوح فیبو ، یعنی ریتریس ، اکستنشن و پروجکشن ! حالا اینکه چطور و کجا از این ابزار استفاده کنی باید اشراف به تکنیکال داشته باشی یعنی هم کلاسیک خوب بدونی و هم الیوت!

چون الگوها یک سطح کلیدی بهتون میده بعدش با فیبو در میارید که چه سطحی نزدیک به تارگت مثلاً موج فلان در اون منطقه هست میای زوم میشی روی اون سطح ! تکنیکی یافتن مناطق پر ترافیک مبحث بسیار مهمی هست که مطمئنم با تمرین و تکرار این سطوح قابل شناسایی برای همه است . یادتون باشه در همه سطوح عرضه داریم و تقاضا هم داریم ، اما باید با تکنیک هایی مناطقی که این ترافیک بیشتر هست رو در بیاریم!

دنیای واگرایی ها دنیای پر عظمت و پولدار کننده ایست!

مک دی باید دو قله یا قعر مشخص بسازد و نه با یک شیب ملایم صعودی یا نزولی شود . در پیوست تصویری که بوضوح دو قله مشخص را نشان می دهد به تصویر کشیدم . فلسفه این دو قله مشخص چی هست اصلاً؟؟ مگه ما بیخود میگیریم دو قله یا قعر مشخص؟؟

فلسفه دو قله یا قعر مشخص :

فرض کنید مک دی یک قله ساخت سپس فروشنده اومدند و دست به فروش شدید زدند و قیمت به مقدار قابل توجهی ریخت ، مجدد خریداران به میدان آمدند و قیمت را بالا کشیدند ، اما بازار دید این حرکت دوم گاوها قدرت چندانی نداشته که مک دی نتوانسته قله قبلیش رو بزنه !

اما وقتی دو قله مشخص و با گودی وسط دو قله متعارف نسازه ، اون عرضه عرضه کنندگان یا خرس ها نمی تونه عیار ریزش را بسنجه و قدرت یا عدم قدرت گاو ها در اپیژود آخر رو بدرستی نشون بده

سطوح پر ترافیک چیست ؟

قسمت اول : ترافیک چیست ؟

کلمه ترافیک که یک لغت انگلیسی (traffic) می باشد به معنای عبور و مرور ، رفت و آمد و ... می باشد . وقتی « پر » به اولش افزوده می شود و به « پر ترافیک » تبدیل می شود یعنی جایی که ترافیک زیاد می باشد . این ترافیک می تواند انسانی و در بازار باشد ، می تواند ماشینی در خیابان باشد ، می تواند ترافیک خریدار یا فروشنده در معاملات باشد و کلاً هر جایی که در آن نوع پوشش و بافتی که دارد باعث می شود شاهد تکرار انسان یا حیوان یا ماشین یا باشیم ، به منطقه پر ترافیک اطلاق می شود .

مناطق پر ترافیک معمولاً نشانه هایی دارد که از روی نشانه ها قبل از اینکه به منطقه پر ترافیک برسیم می توانیم حدس بزنیم که آن منطقه پر ترافیک می باشد .

بگذارید چند مثال بزنم تا منطقه پر ترافیک در نظام هستی بیشتر ملموس شود .

1. وقتی شما از اردبیل قصد دارید به مشهد بروید ، و در مسیر راه از شما می خواهند مناطق پر ترافیک بارندگی را شناسایی نمایید

، اگر کل مسر عبوری شما از اردبیل تا مشهد آفتابی باشد ، شما چگونه مسیرهای پر ترافیک بارندگی را شناسایی می کنید ؟ مسیر حرکتی ما ، اردبیل - آستارا ، انزلی ، رشت ، رامسر ، ساری ، گرگان ، مشهد است ، حال باید از روی نشانه ها پی به ترافیک بارندگی پی برد ، نشانه ها چیستند ؟ سرسبزی و بافت محیطی یکی از نشانه های آشکار بارندگی است ، هر چه از اردبیل به گیلان نزدیک می شویم سرسبزی افزوده شده و نشان می دهد که منطقه پر ترافیک بارندگی داریم ، در محدوده گیلان و مازندران سرسبزی یکنواخت است و سپس به مرور کاهش می یابد تا مشهد که سرسبزی ندارد ! پس ما بصورت غیر مستقیم متوجه شدیم گیلان و مازندران از نظر ترافیک بارندگی ، پر ترافیک تر از اردبیل یا مشهد هستند . بدون اینکه بارانی در کار باشد و تنها از روی گواه ها و از روی شکل ظاهری منطقه .

2. در سیزده بدر هر سال مناطق سر سبز و خوش آب و هوا توسط انسان ها پر ترافیک می شود . فرض کنید شما به همراه خانواده صبح تصمیم گرفتید به یک جای خوش آب و هوا بروید ، و یک مقصدی هم برای خود در نظر می گیرید در مسیر راه هر چه به مقصد نزدیک تر می شوید می بینید بدلیل زیادی ماشین ها اهنگ حرکتی شما در حال کند تر شدن است ، پس نشانه پر ترافیک بودن ظهور می کند ، یعنی شما از روی کند شدن اهنگ حرکتی خود پی می برید که وقتی اینجا اینطوریه پس اونجا چه خبره ! پس بدون اینکه منطقه را دیده باشید از روی گواه ها تشخیص دادید که منطقه مورد نظر پر ترافیک هست .
3. فرض کنید یک منبع تغذیه الکتریکی را به یک شبکه الکتریکی متصل کردیم ، این شبکه شامل مصرف کننده هایی می باشد که ما نمی بینیم و داخل یک محفظه قرار دارد ، در این شبکه مشاهده می شود هر از گاهی عاملی باعث قطع فیوز اصلی ما می شود ، ما بدون اینکه داخل محفظه را ببینیم از روی گواه (قطع شدن فیوز) درک می کنیم که ان داخل باید ترافیک بار الکتریکی باشد . از این دست موارد در طبیعت ، در کهکشان ها ، در علوم مختلف ، در مناسبات اجتماعی ، در تفکرات انسانی ، بسیار زیاد است از بین خیل مثال ها ، سه مثال راحت را برگزیدم تا وارد مبحث ترافیک در معاملات شویم .
به دلیل ذات نامرد بازار ما باید قبل از اینکه به مناطق پر ترافیک برسیم این سطوح را شناسایی کنیم تا متحمل ضررهای هنگفت نشویم ، شما تصور کنید اگر از روی گواه ها متوجه نمی شدیم گیلان و مازندران از نظر ترافیک بارندگی از مشهد بهتر هستند ، و در مشهد یک زمین را برای برنج کاری آماده می کردیم چه اتفاقی می افتاد ؟ آیا اگر از روی گواه ها متوجه نمی شدیم منطقه سیزده بدر ما شلوغ هست ، هزینه اش مصرف زمان و سوخت بیشتر برای رسیدن به هدف و برگشت با دست خالی بود . اگر از روی گواه قطع فیوز پی نمی بردیم ترافیک مصرف کننده در شبکه زیاد است مجبور بودیم زیان سرسام اوری به سیستم بزنیم . پس در هر حرفه و کاری هستیم باید از روی گواه ها پی به مسائلی ببریم تا جلوی ضرر ما را بگیرد یا ما را به سودهای خوبی برساند .

در نمودارهای قیمتی حرکت گذشته یک جفت ارز یا سهم یا هر چیز دیگری یک سری گواه را برای ما می سازد که با آن مناطق پر ترافیک عرضه و تقاضا را مشاهده نماییم . پترن ها و الگوهایی که توسط بازار در گذشته ساخته می شود کلیدهایی را در دست ما قرار می دهد که کجاها ترافیک فروش و یا ترافیک خرید داریم . اگر ما عاقل باشیم قبل از رسیدن به ترافیک باید فکری به حال آن بکنیم . چون معاملات در دنیای فارکس دو طرفه است و هم در جهت بای و هم در جهت سل هست این مناطق پر ترافیک می

تواند در هر دو سو برایمان سود ده باشد. بر خلاف بورس که در یک جهت سود ده است و باید بسیار مراقب بود.

قسمت دوم: شناسایی الگوها و سطوح پر ترافیک

نکته مهم 1: هر چه تعداد سطوح فیبو که در منطقه پر ترافیک هستند بیشتر باشد، اعتبار منطقه پر ترافیک بیشتر است.

نکته مهم 2: ایده آل ترین فرم این هست که در منطقه پر ترافیک یک استراحتی برای تجدد قوا داشته باشیم.

همواره یادتون باشه، وقتی در منطقه پر ترافیک با واگرایی وارد میشید دو دلیل واسه ورود دارید اما وقتی در این سطح نباشید تنها یک دلیل (واگرایی) که ان هم بسیار خطرناک هست.

روی این سبک کار کردن خیلی خیلی خیلی کار کنید، قول میدم پولدار شدن شما رو توی بازار فارکس تضمین می کنه. واگرایی ها رمز بقا و ماندگاری همه در بازار است، تا زمانی که واگرایی نداشته باشیم هیچ وقت برگشت قیمت رخ نخواهد داد، همواره دلیل هر برگشتی، واگرایی است! سعی کنید کاملاً در این موضوع مسلط شوید.

تاکید های من روی این است که اول پر ترافیک رو در بیارید بعد سراغ واگرایی برید.

«منطقه پر ترافیک همواره بیشتر از یک دلیل برای پر ترافیک بودن داره، یعنی یا باید شامل دو اکستنشن یا بیشتر، یک اکستنشن و یک رتریسمنت و یا بیشتر باشه و در الگوهای کلاسیک، هسته مرکزی منطقه پر ترافیک هدف همون الگو می باشد»

در مورد منطقه پر ترافیک فعلاً داریم روی 4 ساعته و یک ساعته کار می کنیم، کسانی که پخته شدند میتونند برند تایم M30 و M15

تلفیق الیوت و واگرایی یعنی تضمین سود، یعنی آخر ترید، یعنی بی مفهومی ضرر، یعنی همه چیز.

«در واگرایی های مخفی دو حرکت وجود دارد، اگر بازار صعودی باشد، حرکت اول ما صعود است و حرکت دوم بخشی از حرکت اول را اصلاح می کند بطوریکه قیمت روی یکی از سطوح 50٪ یا 61.8٪ یا 78.6٪ میرسد، ایندیکاتور کف جدیدی را میسازد، در این حالت واگرایی مخفی شکل می گیرد، یادمان باشد، حرکت دوم باید در جواب حرکت اول باشد، در برخی از تصاویری که از دوستان می بینم حرکت دوم در جواب حرکت اول نیست بلکه خود یک حرکت اول است!»

یعنی: برای هر عملی عکس العملی مساوی با آن و در خلاف جهت آن وجود دارد. (قانون اول نیوتن) یعنی نیرویی که صرف موج 1 می شود همان میزان نیرو صرف موج 2 می شود اما نمی تواند قیمت را به همان میزان افت دهد، و در این بین قسمتی از نیرو بصورت اصطلاح تلف می شود و صرف ترمز دادن قیمت در یک منطقه خاص می شود. این تلف توان خود را به طرق مختلف نشان می دهد، که مهم ترین ان واگرایی است، یعنی بجای اینکه نیرو صرف کاهش یا افزایش قیمت شود این تاثیر را روی ایندیکاتور

می گذارد.

ما باید بدانیم که موج 2 عکس العمل موج 1 است و موج 4 عکس العمل موج 3 و موج A عکس العمل موج 5 و موج C عکس العمل موج B هست که یک سیکل حرکتی کامل می شود و هیچ عملی نمی ماند که برایش عکس العمل وجود نداشته باشد. پس یادمان باشد مبدا موج 4 را عکس العمل ابتدای 1 تا انتهای 3 بگیریم (همان بزرگ شدن سیکل ها که گاهاً ذکر می شود)



کلاً برای بدست آوردن سطوح پر ترافیک هم اکستنشن میندازیم و هم ریتریسمنت. ولی همیشه یادمون باشه اگر این کار رو با پیوت های آشکار انجام بدیم سطوح پر ترافیک ما معتبر تر و تاثیر گذار تر میشه.

مهم : به سطوح پر ترافیکی اهمیت میدیم که در همان تایم فریم تحلیلی یا یک تایم فریم پایین تر واگرایی خوبی بده ، اولویت اول مک دی و *RSI* توامان ، اولویت دوم تنها مک دی و اولویت سوم تنها آر اس آی واگرایی بده .

زمانی که یک پوزیشنی فعال شد و قیمت در شرایط رنج قرار گرفت آیا شما محدودیت زمانی برای آن پوزیشن در نظر میگیرید (با این شرایط که نقطه ورود هم جزو نقاط پر ترافیک و هم نشانه واگرایی نیز وجود داشته باشد)؟

بله ؛ اگر انقدر سوئینگ شد که اثر واگرایی ام به کلی از بین برود خارج میشم حتی اگر کمی در ضرر باشم . واگرایی باید سرش به تنش بیرزه و تاثیر بزاره ، واگرایی که در منطقه پر ترافیک گرفته نشه معمولاً سوئینگ می کنه .

من همیشه موقع پوزیشن گرفتن ها یک گوشه چشمی به خبرهای توی فارکس فکتوری می کنم .

«بازار همواره به واگرایی ها احترام می گذارد ، و همیشه در سطوح تعریف شده بازار تمایل به واکنش دارد ، اما روزهای خاص مانند روزی که نرخ بهره اعلام می شود ، روسای بانک فدرال سخنرانی دارند و ممکن است کمی در سطح تعریف شده شادو داشته باشیم.»

یک توصیه دوستانه:

همواره چارت را از تایم بالا بررسی کنید و بیاید تایم پایین تر .
مثلاً وقتی در شکل زیر شما می دیدید که *USDCAD* در تایم روزانه اچ دی داده (روی سطح 1.786) می رفتید تایم پایین تر با شکستن روند وارد پوزیشن می شدید!
بنده شخصاً دوست دارم روی تایم دیلی و کم کم روی 4 ساعته سطوح مهم رو در بیارم و برای ورود برم تایم یک ساعته .

به نکته:

منطقه پر ترافیک هر چی تنگ تر باشه ، اعتبارش بیشتر هست ، یعنی چی ؟ یعنی هر چی ابزارهای فیبویی ما سطح نازک تری رو نشون بدهند ، و همپوشانی سطوح بهتر باشه و سطح باریک تری رو در بر بگیرند اعتبار اون سطح بیشتر هست . دلیل ؟ چون هر چی سطح نازک تر باشه ، اکثر تریدرها توی همون منطقه باریک میان تجمع می کنند برای خرید یا فروش ، اما شما سطح تون رو باز کنید بخاطر پخش شدن اردرها ، اعتبار سطح زیر سوال میره ! بسته به اینکه روی چه جفت ارزی کار میکنید سطح نازک و سطح پهن تعریف میشه ، مثلاً فکر می کنم برای یورو دلار یک سطح 30-40 پیپسی برای منطقه پر ترافیک مناسب باشه یا برای پوند دلار 40-50 پیپسی مناسب باشه ، یا پوند ین یک سطح 80-100 پیپسی مناسب باشه ، یا دلار فرانک 25-30 پیپسی مناسب باشه و.....

یک نکته دیگه ، بازار بدلیل اینکه واکنش شدید به سطوح فیبو نشون میده ، ریتم حرکتی همواره یک ریتم منظم و با قاعده خواهد بود که براحتی روی سطوح تنظیم شده واکنش های خوبی نشون میده ، یعنی اینکه هر وقت دیدید نتونستید یک منطقه خوب رو بخوبی در بیارید بی خیال ماجرا بشید ، همواره ایده آل ترین حالت این هست که دو یا سه سطح فیبویی که برای همپوشانی در نظر می گیریم دقیقاً روی یک عدد باشند فیبویهای زمانی اش هم همینطور .
بارها برام اتفاق افتاده دقیقاً دو فیبوی ترسیمی روی یک سطح بوده و دقیقاً همونجا زمان هم برای برگشت اوکی بوده .

هر چی تایم فریم بالاتر بره میتونیم محدوده منطقه ترافیکمون رو یک کم بازتر بگیریم ، چون افق دورتر حرکتی رو داریم نگاه می کنیم .

تاکنون 45٪ مباحث در مورد واگرایی ها عنوان شده که فکر می کنم با این 45٪ یک نفر می تواند براحتی با تبحر در سال 500-600٪ سود خالص بگیرد (با مدیریت سرمایه) .

تلفیق واگرایی با الیوت (در تک تک موج ها) ، ریسک ترید کمتر از 3٪ است ، یعنی از 100 ترید ، 97 ترید سود ده خواهد بود .
اینو کاملاً جدی میگم ، من 7-8 ماه هست تست کردم . (البته روی ارزهایی که معرفی کرده بودم)

یافتن منطقه پر ترافیک رو در تایم 4 ساعته توصیه می کنم و هر چه به تایم پایین تر برید قاعدتاً ریسک بالاتر می رود . پیشنهاد می کنم واگرایی ها رو در تایم 4 ساعته و 1 ساعته ببینید و برای ورود به تایم 15 یا 30 برید .

حرفم رو پس می گیرم که سود 500-600 درصد است .

الیوت + واگرایی = بازدهی 5000% در سال (با مدیریت سرمایه)

بهتون قول شرف میدم که سعادت شما در سود کردن در همین است و جز این نیست ، تلفیق این دو هیچ گاه منقرض نخواهد شد و در چه هیچ زمانی اکسپایر نمی شود .

نکته کلیدی : کلاً هر جا واگرایی می بینی بدون که یکی از موج های اصلی مون داره تموم میشه .

پس زین پس :

1) واگرایی رو در تایم 1 ساعته یا 4 ساعته ببینید .

2) منتظر کج شدن سر مک دی بمونید

3) در یکی از سطوح معتبر برای برگشت (سطوح پر ترافیک) باشید

4) برای ورود به تایم 30 یا 15 برید

5) تاییدیه های ورود ، میتونه شکستن روند در تایم پایین تر ، زدن کندل برگشتی یا دانای اول در تایم 30 دقیقه یا یک ساعتی یا چهار ساعتی ، ایجاد سطح فراکتالی

6) خبرها رو هم چک کنید که مبادا نزدیکی یک خبر مهم باشیم ، اگر موقع یک خبر مهم هستیم ، میتونیم در جهتی که فکر می کنیم حرکت می کنه بالا یا زیر یک حمایت یا مقاومت قبل خیر پندینگ بزاریم .

7) بررسی امواج الیوت جزو مواردی هست که کار رو بهینه می کنه

یکی از ابزارهای بسیار قدرتمند برای تعیین سطوح پر ترافیک **FIBO CHANNEL** می باشد . که بسیار بسیار عالی عمل می کنه .

FIBO CHANNEL نسبت به فیوهای معمولی یک سری محاسن برجسته داره .

رسم **FIBO CHANNEL** بسیار راحت هست . معمولاً در ابتدای حرکت های صعودی یا نزولی بازار بصورت یک حرکت بفرم زیر حرکت می کند (همان موج 1 و 2 الیوتی) ، حالا چطوری رسم کنیم ؟؟؟ از نوار ابزار بالا ، فیبو چنل رو انتخاب کنید ، روی A به

سمت B کلیک کنید. یعنی روی A کلیک کنید به B وصل کنید و لایه بعدی رو روی سطح C مماس کنید. در این صورت اکستنشن های 161% ، 261.8% و رو میتونید ببینید (البته من از شون بصورت تلفیقی استفاده می کنم)



غالباً در حرکت ها از نظر الیوتی یک حرکت اولیه داریم که تعبیر به موج 1 می شود و با اتمام موج 2 یک حرکت بزرگ آغاز می شود. اما وقتی بازار بدون این حرکت اولیه حرکت جدید خودش رو آغاز می کنه (به هردلیلی) که کمتر پیش می آید، بر اساس تجربه تصور می کنم استفاده از فیبو چنل پیش فاز یعنی استفاده از نوسان حرکتی قبلی می توان فاز حرکتی آینده را حدس زد. این تکنیکی در صورتیکه بازار به این سطوح چه در گذشته و چه در آینده واکنش نشان داده باشد از اهمیت بالایی برخوردار است. یعنی هر چه اعتبار این سطوح در این نوع از ترکیب بیشتر باشد اعتبار این ترکیب بالاتر می رود.

در شکل زیر که مربوط به طلا میباشد دقیقاً همین حالت رخ داده که حرکت صعودی بدون یک حرکت کوچک بعنوان موج 1 آغاز شده! بروشنی مشخص است که در گذشته و آینده این خطوط مهم بوده است! حال ممکن است این سوال مطرح شود که بازار در گذشته از کجا میدانست که در آینده قرار است قیمت از این سطح برگردد! سوال جالبی است، جواب این است که بازار و هر پدیده با یک ساختار هارمونیک و منظمی حرکت می کند حتی بعضی که مثلاً حرکت مگس در فضا را یک حرکت رندوم و غیر منظم می دانند آن نیز خود در راستای یک حرکت منظم حرکت می کند (اظهار نظر شخصی) حال بازار در گذشته ساختاری داشته که یک فاز حرکتی را بوجود آورده که قیمت در آینده چنین واکنشی نشان دهد یعنی اگر سبک قرار گرفتن (1) و (2) که در شکل نشان داده شده عکس العمل یک ترکیب در یک عمل از گذشته باشد، حال عمل (1) و (2) در شکل خود یک عمل برای عکس العمل در گذشته است. یعنی عمل و عکس العمل ما در گذشته و آینده یک معادله دو طرفه است که حال و گذشته از هم نتیجه میدهد! همین قضیه در مورد آینده هم صدق می کند که با حال یک رابطه دو طرفه است.

برای دومین بار عرض می کنم در هنگام شکست روند ها عموماً موج 2 باید بالای خط روند باشد و با موج 3 روند بشکند در اینصورت اعتبار شکست چند برابر می شود!



نویسنده: جناب نیما آزادی

تهیه کننده: Alitrader